

باید دوباره همدیگر را بشناسیم



نیوشا طیبی‌گیلانی

روزنامه‌نگار

جنگ یکسره خسارت است و پدی، اما ما ایرانی‌ها در طول تاریخ پر از مشقت‌مان آموخته‌ایم که از بدترین اتفاقات، بهترین نتیجه را بگیریم. چند سال پیش بود، در سفرنامه یک اروپایی درباره ایران نکته‌ای در این موضوع نوشته بود - نویسنده و نام کتاب را به خاطر ندارم - «وقتی برای ایرانی‌ها اتفاقی بدی می افتد، وضعیت بدتری را مثال می آوری و دمی گویند: باز خدا را شکر که اتفاق بدتر نیفتاد...». از مرگ مادر سخت‌تر هم هست؟ وقتی مادرم که در سلامتی کامل بسر می برد همین چندماه پیش، به ناگهان از دنیا رفت، ما می گفتیم «خدا را شکر که به بیماری، بستر و آزار دیدن نیفتاد و با عزت، محترمانه و بدون رنج، درد و بیماری ما را ترک کرد.» و همین ما را تسلی می داد و سبب می شد که تاب بیاوریم. ما ملتی هستیم با تاب‌آوری بسیار زیاد. باید بگویم که این تاب‌آوری و مهارت ما در زندگی کردن، البته در چند دهه گذشته به سبب توهم ثروتمندی، تضعیف شد. علت آن را پیش از این گفته‌ام و در یادداشت دیگری به تفصیل و دوباره عرض خواهم کرد، اما اشاره ام به این نکته برای این بود که بگویم، ما از این جنگ تحمیلی و تجاوز زشت و پلید هم نتایج بسیار خوبی گرفته‌ایم. عزیزان زیادی را از دست دادیم که هر کدام آنها به مثابه گنجی برای ایران بودند. هر ایرانی که به خاک افتاد، آن هم به‌دست دشمنی پلشت و بدکاره، خسارت جبران ناپذیری برای ما بود و هست. اما اینکه بسیاری از ما دوباره همدیگر را و وطن را پیدا کردیم و پشت هم ایستادیم و در هر جایی که بودیم از آن دفاع کردیم، نعمتی است که با آن جان‌های عزیز هزینه‌اش پرداخت شده و نباید آن را فرو گذاشت. بار حفاظت از این نعمت بر دوش تک‌تک ما ایرانی‌ها و بیش از همه بر دوش حاکمیت است. باید از حکومت طلب کنیم، باید از آن بخوایم که در عهد خود با مردم و مدارا و تن دادن به خواسته‌های آنان و حفظ وحدت ملی و انسجام به‌دست آمده بکوشد. البته که عده‌ای از داخل و خارج سعی می کنند که این پیام را به ملت ایران القاء کنند که «در بر همان پاشنه می چرخد» و چیزی عوض نشده. عجیب است که هر دوی این داخلی‌ها و خارجی‌ها که یکی علم حزب‌اللهی بودن و صاحب کشور بودن در دست دارد و دیگری علم اپوزیسیون و مبارزه با جمهوری اسلامی، هر دو از اصطلاح «بازگشت به تنظیلات کارخانه» استفاده می کنند. در این میان، جماعت بزرگ میهن دوست که به ماله کش و وسط‌باز (از سوی اپوزیسیون) و عامل خارجی و ستون پنجم بودن از سوی تمامیت‌خواهان داخلی متهم است، باید سخت بکوشد تا اقلیت دوسوی صحنه را عقب براند و نگذارد که باز هم گسل‌ها دهن باز کنند و کاسبان تفرقه‌بسا پشتان را دوباره پهن کنند.

این همه مقدمه طولانی چیدم که به عرض برسانم از خوبی‌های این جنگ، بازشناسی دوباره ما از هم بود. می‌گویند جامعه مهاجر ایرانی، نمونه‌ای از جامعه داخل ایران است. البته که این گزاره تا حدی درست است، چرایش را به عرض می‌رسانم. آنها که در میانه ایستاده‌اند و از روی اخلاق و رسم مروت، حق خود نمی‌دانند که برای مردم داخل کشور نسخه‌پیچند و فقط زندگی آرام و مرفه توأم با آزادی و قانون را برای مردم می‌خواهند، همان‌ها هستند که در دوره جنگ هم پای میهن ایستادند و البته تاوان دادند و خواهند داد. اما، عده‌ای هم هستند که به‌کل از واقعیات ایران به‌دور هستند. توهماتی دارند که ناشی از دورافتادگی جسمی و روحی‌شان از وطن است. این جماعت اخیر، براندازی رانندیک و البته چاره تمام مشکلات ایران می‌دانند. از دموکراسی و آزادی حرف می‌زنند اما در ضمن از لزوم کشتار وسیع و مجازات تمام کسانی که به‌نحوی با جمهوری اسلامی کار کرده‌اند هم صحبت می‌کنند. آزادی‌ای که آنها تجویز می‌کنند از روی جنازه‌های هم‌وطنان‌شان می‌گذرد. وطن‌خواهی را به سخره می‌گیرند و تجاوز بیگانگان را پروژه آزادی ایران می‌دانند. از آنها که ۴۰ سال و بیشتر است که در لس آنجلس، لندن، و مونیخ و پاریس خانه گزیده‌اند و از کنار میز شام، لب استختر و دریا بیابیه «سال بعد تهران خواهیم بود» صادر می‌کنند، انتظار نیست. آنها دیگر حتی خودشان را هم جدی نمی‌گیرند، اما از آنهایی که جوان‌تر هستند و رفتن‌شان از ایران برای مبارزه و اپوزیسیون شدن نبوده، عدم درک شرایط میهن عجیب است. عرض کردم که آن گزاره تا حدی درست است، چون ما این نمونه‌های چنین پرت از مرحله و درک شرایط را در میان ایرانیان داخل کشور بسیار کم می‌بینیم، اما در میان مهاجران ایرانی می‌توان نمونه‌های متعددی از آنها را پیدا کرد. از نتایج این جنگ، لزوم بازشناسی و به‌رسمیت شناختن جامعه ایرانی مهاجر وفادار به ایران و ایجاد رابطه‌ای پایدار بین آنها و میهن عزیز است.

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کریم‌اسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: اصغر خرمسه، ایرنا

گزارش يك جشن *

قرارداد منتشرشده از سمت وزارت ارشاد اسلامی نشان می‌دهد که دبیر اجرایی و پیمانکاریک جشن گران قیمت یک نفر بوده است



سپهر خرمی

گزارشگر هم‌میهن

چندی پیش وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی فهرست هزینه‌های جشن نوروز اسفند سال پیش این وزارتخانه را منتشر کرد؛ کاری درست در راستای شفافیت در چگونگی خرج شدن بیت‌المال. این شفافیت اما دو نکته عجیب داشت: یکی میزان هزینه چند ساعت جشن و عجیبت‌ر از آن موسسه پیمانکار برگزاری این جشن میلیارد تومانی که موسسه تحت مالکیت دبیر اجرایی این مراسم یعنی ج. الف بود. البته برگزار می‌کرد. اکنون فهرست هزینه‌های ستاد اجرایی نکوداشت نوروز و عید فطر فرهنگی - هنری در ۳۱ ردیف منتشر شده که برای هگان قابل دسترسی است. البته امیدواریم که میزان هزینه کرد این فهرست راه و رسم بازار نشود. با بررسی صرفاً بخشی از این هزینه‌ها مشخص می‌شود که بودجه کم‌سابقه‌ای که برای برگزاری این مراسم در نظر گرفته شده، با چند برابر کردن قیمت بسیاری از پارامترها، به نوعی هزینه‌تراشی عجیب رخ داده است. این فهرست بخش‌های اجرای مراسم، مستندسازی، ضبط سمفونی، اجرای موسیقی در برج میلاد، فروش کالاهای نورافشانی و اجرای نورافشانی در میدان آزادی، عوامل اجرایی، پذیرایی، تهیه پوستر و کارت دعوت و... را در بر می‌گیرد. بر اساس این فهرست بیشترین هزینه مربوط به «طراحی و اجرای دکور تمبر و ماهی‌ها، پرچم کشورها» با مبلغ ۴ میلیارد تومان و کمترین هزینه مربوط به «گروه موسیقی ارش» با ۴۵ میلیون تومان بوده است. گفتمنی است هزینه ترمال و منطقی مربوط به طراحی دکور تمبر و ماهی‌ها در بالاترین حالت ممکن که ۸۰۰ میلیون تومان می‌رسد. هزینه اجرای مراسم اگر به تعداد ۷۰ نفر، اجرای نوروزخوان با ۶۰ نفر، دفنوازی ۲۰۰ نفر، تنبوروازی ۱۰۰ نفر، سورنوازی ۵۰ نفر و هزینه پذیرایی و یاب و دهب مبلغ ۷۵۰ میلیون تومان اعلام شده است. شاید تنها این بخش با توجه به تعداد بالای نیروها قابل قبول باشد. هزینه اجاره ویدئومپینگ جهت اجرا بر روی آزادی یک میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان به‌سرت مکتوب قید شده که در گفت‌وگو با متخصصین این حوزه، هزینه این بخش در بیشترین حالت با ۵۰۰ میلیون تومان می‌شد که تهیه شود. هزینه مستندسازی یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان اعلام شده که مستندسازی برای چنین مراسمی از ویدئو تا تدوین در بیشترین حالت با ۳۰۰ میلیون تومان پروژه ۳۰ دقیقه‌ای را پیش می‌برد. یکی از نقدهای جدی به این گزارش هزینه کرد، نبود تکنیک شفاف و تخصصی برای هر هزینه است. برای مثال: پرداخت‌های متعدد به یک شخص بابت نور، صدا، ضبط و استیج بلندی و مستندسازی سمفونی (جمعاً ۶ میلیارد و هشتصد و پنجاه میلیون تومان) بدون توضیح دقیق مشخص انجام شده است. سه شرکت نورافشانی متفاوت در جدول ذکر شده‌اند (جمعاً حدود ۲ میلیارد تومان)، در حالی که عملاً اجرای آتش بازی جشن یک برنامه چند دقیقه‌ای بوده است.

▼ از تاسیس موسسه تا دبیری مراسم

بهمن ماه ۱۴۰۳ به پاس گرامیداشت نوروز ایرانی، وزارت ارشاد تصمیم گرفت مراسمی باشکوه با حضور میهمانان ایرانی و سفرای خارجی برگزار کند تا شکوه و عظمت نوروز باستانی به مردم دنیا معرفی شود. در اولین گام، وزارت ارشاد ج. الف را به عنوان «دبیر ستاد اجرایی نکوداشت نوروز و عید فطر فرهنگی - هنری» منصوب کرد. کمتر از ۲ ماه فرصت بود تا یک مراسم باشکوه با مدیریت ج. الف در تهران برگزار شود. به دلیل کمبود وقت، این مراسم از ۱۰ روز به یک روز کاهش یافت. نکته عجیب در همین گام نخست ایجاد شد. ج. الف، موسسه هورشید را خودش مدیریت آن را بر عهده داشت به عنوان کارگزار این مراسم پراهمیت معرفی کرد. متأسفانه مسئولان مربوطه پاسخگوی این سوال نبودند که چطور دبیر اجرایی، با موسسه خودش برای برگزاری این مراسم قرارداد امضا کرده است. نکته اول این است که چنین برنامه فرهنگی را معمولاً باید به مناقصه گذاشت که کمترین هزینه بیشترین بهره‌وری را داشته باشد. حتی اگر مناقصه‌ای هم برگزار شده باشد، آن کس که باید پیمانکار برنده را معرفی کند خود پیمانکار برنده بوده است. این در حالیکه یک گردش مالی ۲۲ میلیارد تومانی برای بسیاری از موسسه‌های فرهنگی مشابه کشور یک گردش مالی قابل اعتنا و بسیار جذاب است. نکته زمانی عجیبت‌ر می‌شود که بدانیم موسسه هورشید که یک موسسه فرهنگی است اواخر آبان ماه ۱۴۰۳ با مجوز وزارت ارشاد تاسیس شده و همین شرکت ۲ ماه بعد کارگزار یکی از مراسم‌های مهم وزارت ارشاد می‌شود؛ مراسمی که بودجه ۲۲ میلیارد تومانی در اختیار داشته است. باید توجه داشت که مجوز تاسیس موسسه‌های فرهنگی تحت اختیار وزارت ارشاد است؛ مجوزهایی که به راحتی داده نمی‌شود، بخصوص موسسه‌های فرهنگی چندمنظوره که معمولاً به افراد خاص اعطا می‌شود. اینکه هورشید برای ورود به چنین پروژه‌هایی در وزارت ارشاد بلافاصله بعد از استقرار افراد در این وزارتخانه تاسیس شده یا نه نمی‌توان فهمید اما اینکه یک موسسه با سابقه دو ماه تاسیس صاحب یکی از بزرگترین پروژه‌های وزارت ارشاد می‌شود دیگر از سر اتفاق و طی کردن بروکراسی اداری نیست. قابل ذکر است که در آگهی رسمی این موسسه تاریخ تاسیس نیمه آبان ذکر شده است و ج. الف به عنوان مدیرعامل معرفی شده و ایشان در بهمن ماه ۱۴۰۳ به عنوان دبیر اجرایی مراسم نوروز معرفی شدند.

▼ هزینه‌های نامتعارف

طبق گزارش‌های منتشرشده، جشن نوروز ۱۴۰۴ برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که با مدیریت ج. الف و موسسه هورشید برگزار شده است، در مجموع ۲۱ میلیارد و ۸۷ میلیون تومان هزینه در بر داشته است. سوالی که سعی کردیم از ج. الف بپرسیم ولی ایشان تمایلی به پاسخگویی در این زمینه و شفاف‌سازی مالی نداشتند این بود که با تحمیل این هزینه حدود ۲۲ میلیاردی آیا وزارت ارشاد

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کریم‌اسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

چهره

آرمیده بر بام جهان

۳۱ تیرماه جامعه کوهنوردی ایران یکی از بهترین‌های کوهنوردی‌های زن خود را از دست داد و در سوگ سقوط لاله اسفندیاری در کوه گاشربروم ۲ به سوگ نشست. او کوهنوردی را از سال ۱۳۸۰ آغاز کرد و نخستین صعودی که تجربه کرد، قله توچال بود. بعدها اما این تفریح به حرفه او بدل شد و توانست، هم به بیشتر قله‌های ایران صعود کند و هم اغلب غارهای ایران را ببیند. ۲۲ بار صعود به قله دماوند از سه مسیر مختلف، یکی از افتخارات او بود. در سال ۱۳۸۱ هم به‌عنوان اولین زن ایرانی موفق به پیمایش کامل غار پراو، عمیق‌ترین غار ایران در استان کرمانشاه شد. با همه موفقیت‌های ملی و بین‌المللی او در این زمینه، صعودش به قله گاشربروم ۲ اما سانحه‌ساز شد. او البته صعودی موفق داشت اما در حین فرود به‌دلیل از دست دادن تعادل، دچار سقوطی ۳۰۰ متری شد. پیکرش نیز بنا به خواسته خودش که نوشته بود «می‌خواهم بام جهان آرامگاه ابدی‌ام باشد»، در همان جا در میان کوه‌های بلند، پاک و پُرپر گاشربروم باقی ماند.



کتابخانه

تأملات فیلسوف دیگری

امانوئل لویناس، فیلسوف مشهور لیتوانیایی در سال ۱۹۹۵ درگذشت. در ایران اما در هنگام حیاتش از او چندان خبری نبود. از اوایل دهه ۱۳۹۰ اما توجه به اندیشه او بسیار بیشتر از گذشته شده است چنانکه هم کتاب‌هایی از او ترجمه شده است و هم آثاری درباره ابعاد مختلف فلسفه او تألیف شده است. او معروف است به «فیلسوف دیگری» و یکی از محورترین نقدهایش به فلسفه غرب این است که از سقراط تا هایدگر، فلسفه غربی، غیرستیز بوده است و از مسئولیت نامتناهی آدمی نسبت به دیگری و دیگران غفلت ورزیده است. این کتاب لویناس اما مشتمل است بر درس گفتارهای او طی سال تحصیلی ۱۹۷۵-۱۹۷۵ در دانشگاه سوربن. این درس‌ها شرح و تفسیر سه واژه‌اند: خدا، مرگ و زمان. در این اثر برای نخستین بار، دو مفهوم مرگ و زمان که در تمام آثار لویناس حاضرند، به تفصیل بیان می‌شوند. هم‌زمان لویناس، با وارونه‌سازی فلسفه هایدگر، پژوهش خود را در باب کلمه «خدا» پی می‌گیرد.



نام کتاب:
خدا، مرگ و زمان
نویسنده:
امانوئل لویناس
مترجم:
احسان قاسم‌خانی
نشر: نی

تاریخ

نبرد انزن



نبرد انزن ۲۲ ژوئیه ۸۳۸ در دازیمون (مکانی در ترکیه فعلی) بین امپراتوری بیزانس و نیروهای خلافت عباسی درگرفت. عباسیان به تلافی -موفقیت‌های امپراتور بیزانس- توفیلوس -

در سال قبل، لشکرکشی گسترده‌ای را با دو ارتش جداگانه آغاز کرده بودند و هدف‌شان غارت آموریون، یکی از بزرگترین شهرهای بیزانس بود. توفیلوس به‌همراه ارتش خود در دازیمون با ارتش کوچک‌تر مسلمانان، به فرماندهی شاهزاده ایرانی -افشین- روبه‌رو شد. ارتش بیزانس که از نظر عددی برتر بود، در ابتدا موفقیت‌هایی به‌دست آورد، اما هنگامی که توفیلوس تصمیم گرفت خود حمله را رهبری کند، غیبت او از پشت همیشگی‌اش، باعث وحشت در میان سربازان بیزانسی شد که می‌ترسیدند توفیلوس کشته شده باشد. در این هنگام با ضحمله سوارکاران ترک به دستور افشین، ارتش بیزانس شکست خورد و توفیلوس و نیروهای نزدیک‌اش روی تپه‌ای محاصره شدند، اما به هر روی موفق به فرار شدند. این شکست راه را برای غارت آموریون باز کرد و از این منظر، یکی از جدی‌ترین ضرباتی بود که بیزانس در جنگ‌های چندقرنه اعراب و بیزانس متحمل شد.

*فایل فیلمی از ابراهیم حاتم‌کیاست